گمانه‌زنی ها درباره انتقال «البغدادی» به شرق افغانستان

در پی شکست داعش در عراق و سوریه، گزارش‌های متعددی از روند انتقال جنگجویان داعشی به افغانستان به منظور بقای این گروه تروریستی منتشر شده است. روزنامه «ویسا» چاپ کابل، در گزارش اخیر خودنوشت که برخی منابع محلی در ولایت ننگرهار از حضور البغدادی سر کرده گروه تروریستی در شهرستان «شینواری» این ولایت خبر داده‌اند. بر اساس این گزارش، «ابوبکر البغدادی» از شهر «رقه» سوریه به ولایت ننگرهار در شرق افغانستان منتقل شده است.

با صاحب نظران

شیوخی صهیونیست تر از اسرائیل

عبدالباری عطوان- پیام توئیتری وزیر خارجه بحرین که از تجاوز اسرائیل به سوریه حمایت کرده، ما را شوکزده کرده است... و درخواست لیبرمن از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس برای بیرون آمدن از «لاک شان» و ورود «علنی» به «اردوگاه اعتدال» با اسرائیل، ما را بیشتر شوکزده کرد... دقیقا چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟ غافلگیری بعدی چگونه خواهد بود؟ این موضوع که این کشورها با ایران و محور مقاومت دشمنی و از اقدام آمریکا در لغو توافق هسته‌ای با ایران و پیامدهای خطرناک احتمالی آن بر منطقه استقبال می کنند و آمریکایی تر از فرانسه، انگلیس و آلمان می شوند، تکان دهنده است ولی موضوع تکان دهنده‌تر و حتی تحریک آمیز این است که این کشورهای عربی، تجاوز اسرائیل به کشور برادر، سوریه را به هر بهانه‌ای که باشد تأیید می کنند و این تجاوز را حق مشروع اسرائیل در دفاع از خود می دانند، مانند همان کاری که شیخ «خالد بن احمد آل خلیفه» وزیر خارجه بحرین انجام داد. وزیر خارجه بحرین روز پنج شنبه در تایید تجاوزهای مکرر اسرائیل به سوریه، در حساب توئیتری خود مدعی شد: «تا زمانی که ایران به وضعیت کنونی در منطقه دامن می‌زند و با نیروها و موشک های خود در امور دیگر کشورها مداخله می کند، دولت های منطقه از جمله اسرائیل حق دارند با نابود کردن منابع خطر، از خود دفاع کنند!» این پیام توئیتری که «ایوب قرا» وزیر اسرائیلی آن را «حمایت تاریخی از دولت اسرائیل» توصیف کرده و بازتاب دهنده ائتلاف جدیدی است که در منطقه خاورمیانه در حال شکل گیری است و اسرائیل بخشی از آن است، باعث شد «آویگدور لیبرمن» وزیر جنگ اسرائیل نیز عربستان و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را مخاطب قرار دهد و از آن ها بخواهد از «لاک خود» بیرون بیایند و علنا از ائتلاف شان با اسرائیل سخن بگویند. لیبرمن گفت: «همان گونه که محور شر وجود دارد، زمان آن فرا رسیده است که در خاورمیانه محور کشورهای معتدل شکل بگیرد!» اسرائیل متجاوز که تمام امت‌های عربی را هدف قرار داد و فلسطین و مقدسات آن و نیز بلندی های جولان و «مزارع شبعا» را اشغال کرد و چندین جنایت در «قانا»، «غزه» و مصر و دیگر مناطقی که فهرستش طولانی است، مرتکب شد و بمباران هایش علیه سوریه طی فقط سه سال گذشته از یکصد بمباران فراتر رفته است، حالا چگونه به باور حکومت های عربی و مشخصا بحرین، حق مشروع برای دفاع از خود دارد اما مقاومت در برابر اشغالگر، اقدامی تروریستی و محکوم‌شده معرفی می شود؟ همین دیروز حکومت های امارات و بحرین، تیم‌های دوچرخه سواری خود را برای مشارکت در جشنواره ورزشی که به مناسبت جشن هفتادمین سال غصب فلسطین و تشکیل رژیم اسرائیل برگزار می شود، اعزام کردند و پیش از آن نیز قطر از تیمی اسرائیلی برای مشارکت در مسابقات والیبال در این کشور استقبال کرد و چه بسا کویت و عمان، تنها کشورهایی هستند که مراحل عادی‌سازی روابط با دولت اشغالگر را طی نکرده‌اند. مهم نیست میزان خسارتی که این اقدامات به امت، عقیده و میراث آن وارد می کند، چقدر است. معتقد نیستیم پاسخ مثبت حکومت های عربی حوزه خلیج فارس به درخواست لیبرمن برای بیرون آمدن از لاک خود، زیاد به تأخیر خواهد افتاد و با روندی پرشتاب‌تر، از رابطه مخفی به رابطه علنی منتقل می شود. هرگز تصور نمی کردیم این گونه عادی‌سازی و رفتن به آغوش اسرائیلی ها و تبرئه کردن آن ها از تجاوزها و کشتارهای خونین شان علیه برادران مان در سوریه، فلسطین و لبنان و قبل از آن در مصر را ببینیم. آن چه در پایان می توان گفت این است که «خداوند ما را بس است و او چه خوب نگهبان و یاوری است».

لبنان

اولین پس لرزه انتخابات لبنان

رئیس دفتر سعد حریری استعفا کرد

«نادر الحریری» مدیر دفتر سعد حریری نخست وزیر لبنان، از تمامی مسئولیت های خود در دفتر نخست وزیر استعفا کرد. سایت رسمی جریان المستقبل با اعلام این خبر افزود: حریری از تلاش های رئیس دفتر خود طی دوران تصدی این مسئولیت تشکر و برای وی ابراز امیدواری کرده که در اهداف خود موفق باشد. این سایت همچنین از تصدی محمد منیمنه برای سرپرستی مسئولیت های مربوط به مدیر دفتر نخست وزیر خبر داد. نادر الحریری فرزند بهیه حریری و پسرعمه سعد حریری است. علت اصلی استعفای وی در این موقعیت حساس اعلام نشده است اما سایت های نزدیک به حریری گفته‌اند این اتفاق با هماهنگی قبلی بوده و سعد حریری به تمایل نادر الحریری در ترک این سمت، احترام گذاشته است. این سایت ها مدعی هستند استعفای مذکور، ارتباطی با پرونده انتخابات لبنان ندارد. نادر الحریری متخصص امور شهری و دانش آموخته دانشگاه آمریکایی بیروت و برادر بزرگ‌تر احمد الحریری دبیر کل جریان المستقبل است. نادر به تئوریسین سیاست های جریان المستقبل معروف بوده است. اگرچه منابع المستقبل ارتباط این استعفا با انتخابات لبنان را رد کرده‌اند اما به‌نظر می رسد این اتفاق در نتیجه شکاف داخلی موجود میان جریان المستقبل و تسویه حساب های داخلی به دلیل شکست صورت گرفته در انتخابات انجام شده است. رسانه‌های خبری لبنان از زمان اعلام نتایج انتخابات، از خشم سعد حریری خبر داده‌اند لذا به‌نظر می رسد این آخرین استعفای صورت گرفته در بدنه المستقبل طی روزها و هفته‌های اخیر نخواهد بود. در انتخابات پارلمانی گذشته، جریان المستقبل نسبت به نتایج دوره قبل شکست سختی خورد و ۱۲ کرسی پارلمانی را از دست داد. سعد الحریری، روز شنبه بعد از «ناکامی‌اش» در کسب نتایج مدنظر خود در انتخابات پارلمانی، اعلام کرده بود که درصدد اجرای اصلاحات گسترده در حزبش است.

نگاهی به عوامل اصلی شکست نجیب رزاق در انتخابات پارلمانی مالزی

سونامی ماهاتیر

دکتر علیرضا رضاخواه- این روزها تمرکز رسانه‌ها بر شرق آسیاست. علاوه بر آن که مسائل مرتبط با شبه جزیره کره و به ویژه موضوع کره شمالی همچنان بحث داغ تحولات شرق آسیاست، اکنون انتخابات مالزی نیز به موضوعات مورد توجه این منطقه افزوده شده است. مالزی اواخر هفته گذشته، شاهد برگزاری انتخابات پارلمانی بود اما این دوره انتخابات برخلاف دوره‌های گذشته در مالزی همراه با شگفتی بود و بر اساس نتایج رسمی، اعلام شد که ائتلاف حاکم پس از شش دهه حکومت بر مردم مالزی در انتخابات پارلمانی در مقابل ماهاتیر محمد ۹۲ ساله، نخست‌وزیر اسبق مالزی شکست خورد. ماهاتیر محمد یار دیرین خود انور ابراهیم را نیز از زندان بیرون آورده و ظاهرا قرار است نوستالژی دوقلوهای افسانه‌ای مالزی تکرار شود. اما ماهاتیر محمد کیست و چرا در فضای سیاسی مالزی توانست پس از ۱۴ سال به قدرت بازگردد؟ وقتی ماهاتیر محمد در سال ۱۹۸۱ به عنوان نخست‌وزیر، قدرت را در مالزی به دست گرفت، او را به عنوان چهارمین نخست وزیر می شناختند اما اقداماتش تا سال ۲۰۰۳ یعنی طی ۲۲ سال حاکمیت در کشور اسلامی مالزی، او را فراتر از یک نخست‌وزیر معمولی ساخت. سکوی پرتاب ماهاتیر با عضویت در سازمان ملی متحد مالایی ها (با نام رسمی باریسان ناسیونال) در سال ۱۹۴۶ و در سن ۲۱ سالگی شروع شد و در سال ۱۹۶۴ به عنوان نماینده محلی به مجلس سفلای مالزی (دوان راکیات) راه یافت. نخستین حضور ماهاتیر در دولت، از سال ۱۹۷۴ به عنوان وزیر آموزش و پرورش در دولت عبدالرزاق حسین بود و بعد از آن در دولت‌های مختلف به عنوان معاون نخست وزیر، وزیر دفاع، وزیر تجارت و صنعت و وزیر کشور حضور داشت تا آن که در نهایت در سال ۱۹۸۱ به عنوان نخست وزیر مالزی قدرت را به دست گرفت. ماهاتیر در نخستین سال‌های نخست‌وزیری خود تصمیم به محدودسازی موقعیت برخی اعضای خاندان پادشاهی مالزی گرفت و در این مسیر به موفقیت نیز دست یافت. در زمینه های اقتصادی، او برنامه اقتصاد متوازن بومی بر پایه تجربه لیبرال را در دستور کار خود قرار داد و موفق شد طی یک دهه اقتصاد مالزی را متحول کند. خصوصی سازی اقتصاد با الگوی مشابه مارگارت تاچر در بریتانیا، هم به کسب درآمد و کاهش هزینه برای دولت کوالالامپور منجر شد و هم فرصت اشتغال را در این کشور اسلامی جنوب شرق آسیا چندین برابر افزایش داد. انجام برخی طرح‌های ماندگار مالزی در دوره ماهاتیر محمد، از جمله بزرگراه ۷۷۲ کیلومتری از مرز تایلند تا سنگاپور، توسعه شرکت نفت این کشور مشهور به پتروناس و در نهایت تاسیس بازارهای بورس نفت و انرژی، این کشور شرق آسیا را به بازار سرمایه و انرژی منطقه تبدیل کرد و توانست مالزی را به عنوان چهره یک جامعه توسعه یافته شرقی نشان دهد. دولت ماهاتیر محمد در دهه ۱۹۹۰ دچار شوک اقتصادی و بحران مالی شد اما از این مسیر نیز با ترسیم برنامه مالزی ۲۰۳۰ و شعار مالزی پیشرفته تا ۲۰۳۰ توانست عبور کند. سیاست خارجی مالزی در دوره ماهاتیر همچنین دارای افت و خیزهای متعددی بود. علی رغم سرمایه گذاری های اقتصادی مشترک کوالالامپور-واشنگتن، این روابط متاثر از سخنان مشاور بیل کلینتون در سال ۱۹۹۸ در اجلاس اپک که در آن بر لزوم توجه به صداهای دموکراسی خواهی در مالزی تاکید شده بود، دچار نوسان شد و حمله آمریکا به عراق، فاصله در روابط دو کشور را افزایش داد و ماهاتیر این حمله را بدون مجوز سازمان ملل، غیرقانونی اعلام کرد. از دیگر چالش های سیاست خارجی مالزی در دوره ماهاتیر، تنش در روابط با سنگاپور بر سر برخی آب‌های مرزی بود. همچنین روابط مالزی با استرالیا در این دوره در پایین ترین سطح خود دنبال شد. با این حال، ماهاتیر در سال ۲۰۰۳ کناره گیری خود را به طور کامل از سیاست اعلام کرد و حتی پیشنهاد وزارت رفاه در کابینه آتی را نپذیرفت و خود را بازنشسته سیاسی کرد. مالزی اگرچه در سال ۲۰۰۳ شاهد خداحافظی ماهاتیر محمد از قدرت بود، اما در سال ۲۰۱۸ او بار دیگر پدیده انتخاباتی کشورش شد. گفته می‌شود آن چه پای ماهاتیر را در ۹۲ سالگی به میدان سیاسی کشورش باز کرد، رسوایی مالی شرکت توسعه مالزی بود. رسوایی مالی در این شرکت دولتی در سال ۲۰۱۵ زمانی خبرساز شد که خبرگزاری‌ها از انتقال ۷۰۰ میلیون دلار از حساب این شرکت به حساب شخصی نجیب رزاق، نخست وزیر خبر دادند. این خبر با موجی از واکنش‌ها و انتقادات و حتی درخواست‌ها برای استعفای نجیب رزاق روبه رو شد و ماهاتیر محمد، نخست وزیر سابق، صدای مخالفان شد. ماهاتیر در یک دوره اعتراضات ضددولتی در آگوست ۲۰۱۵ شرکت کرد و همراه با ده‌ها هزار نفر از معترضان مالزیایی خواستار استعفای نخست‌وزیر شد. همزمان ماهاتیر همراه با چند حزب سیاسی و سازمان مردم‌نهاد، ائتلافی را تحت عنوان پاکاتان هارافان (اتحاد امید) تاسیس کرد. تاسیس این ائتلاف از سوی ماهاتیر در حالی بود که او خود زمانی از اعضای حزب حاکم، یعنی جبهه ملی مالایی به شمار می‌رفت اما از سال ۲۰۱۵ و پس از رسوایی شرکت توسعه مالزی، با پیوستن به صف مخالفان و ایجاد ائتلافی جدید در عمل، از حزب حاکم فاصله گرفت. همزمان واکنش نجیب رزاق نخست وزیر وقت به این اعتراضات، تعلیق دو روزنامه و فشار بیشتر بر مخالفان در برابر اتهام فساد بود اما در مقابل، ائتلاف هارافان با تهیه اساسنامه حزبی و ثبت نام در وزارت کشور مالزی توانست به عنوان یک حزب فعال به رهبری ماهاتیر محمد در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ مالزی شرکت کند و با فاصله زیادی حزب حاکم با نام سازمان ملی متحد مالایی ها را شکست دهد. با این حال، ماهاتیر محمد در این دوره اعلام کرد که فقط برای دو سال مسئولیت نخست وزیری را بر عهده خواهد داشت و پس از دوسال، از دولت کناره گیری خواهد کرد.

■ بازگشت دوقلوهای افسانه‌ای به قدرت

هم اکنون یکی از مهم ترین متحدان سیاسی ماهاتیر محمد در ائتلاف تازه تاسیس پاکاتان هارافان در مالزی، انور ابراهیم، معاون سابق نجیب رزاق (نخست وزیر پیشین مالزی) است که چند سال پیش به اتهام لواط و فساد زندانی شد و حال قرار است به گفته ماهاتیر محمد، با عفو پادشاه، از زندان آزاد شود. ماهاتیر محمد اتهامات علیه متحد خود را غیرواقعی و با انگیزه‌های سیاسی بیان کرده است و اگرچه از حضور انور ابراهیم در کابینه سخن نگفته اما بسیاری پیش بینی کرده‌اند انور ابراهیم پس از کناره گیری ماهاتیر محمد از قدرت، پس از دو سال به جای او خواهد نشست. انور ابراهیم همچنین در زمان ماهاتیر محمد معاون او بود اما در سال ۱۹۹۸ به دنبال اختلافاتی، از سمت خود برکنار شد و رهبری تظاهرات علیه ماهاتیر را به عهده گرفت و یک سال بعد به اتهام سوء استفاده از قدرت زندانی شد. او در سال ۲۰۰۰ با رسوایی جنسی مواجه و به ۹ سال زندان محکوم شد اما محکومیت او در سال ۲۰۰۴ لغو شد و رهبری مخالفان را به عهده گرفت و در دو انتخابات پیاپی اگرچه به پیروزی نرسید اما کرسی های مخالفان را بیشتر کرد. ابراهیم همچنین یک سال پس از انتخابات سال ۲۰۱۳ بار دیگر به دلیل همان اتهام زندانی شد و حال قرار است برای دومین بار و البته این بار با عفو پادشاه و به عنوان متحد ماهاتیر محمد، از زندان آزاد شود. هم اکنون وان عزیزه، همسر انور ابراهیم، پس از پیروزی ائتلاف سیاسی ماهاتیر، معاون نخست وزیر معرفی شده است.

افزایش شکاف میان واشنگتن و متحدانش

جنگ تجاری ترکیه با آمریکا کلید خورد

فادرانی-در پی وضع تعرفه های گمرکی آمریکا بر واردات فولاد و آلومینیوم از شمار زیادی از کشورها از جمله ترکیه، آنکارا نیز تهدید به تلافی کرده است. وزیر اقتصاد ترکیه اعلام کرد در واکنش به تصمیم آمریکا مبنی بر وضع تعرفه های گمرکی بر واردات فولاد و آلومینیوم، اقدام متقابل انجام خواهد داد. «نهات زیبکچی» وزیر اقتصاد ترکیه در گفت و گو با خبرگزاری آناتولی، تأکید کرد پیام ترکیه درباره وضع تعرفه بر آلومینیوم و فولاد وارداتی از آمریکا را به طور واضح و روشن به مقامات آمریکا انتقال داده‌ایم و در هفته جاری اقدامات متقابل را انجام خواهیم داد. وی در ادامه گفت: پس از این، وارد دوره‌ای در روابط تجاری دو جانبه‌ای می شویم که بیشتر آمریکا را به صورت منفی تحت تاثیر قرار خواهد داد. زیبکچی همچنین تصریح کرد آمریکا برخی کشورها از جمله کشورهای عضو اتحادیه اروپا، کره جنوبی، برزیل، مکزیک و کانادا را از این مالیات معاف کرده است ولی کشورهایی مانند ترکیه، چین و هند معاف نیستند. وی با بیان این که در سال گذشته ۶ درصد فولاد وارداتی ایالات متحده از ترکیه بوده است، گفت: با توجه به داده های مرکز آمار ترکیه در سال گذشته حدود ۱۳/۸ میلیارد دلار صادرات فولاد و محصولات فولادی از این کشور صورت گرفته و حدود ۹ درصد از این صادرات که معادل ۱/۲ میلیارد دلار است، به آمریکا صادر شده است. «دونالد ترامپ» رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در ۹ مارس امسال، با امضای دستوری، تعرفه واردات فولاد و آلومینیوم به کشورش را افزایش داد. رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا طی این دستور، افزایش ۲۵ درصدی تعرفه واردات فولاد و ۱۰ درصدی آلومینیوم را اعلام کرد. بر همین اساس، آمریکا اعلام کرده به زودی تعرفه‌های جدید واردات به این کشور را اعمال خواهد کرد، اقدامی که می‌تواند حدود ۶۰ میلیارد دلار از واردات این کشور از چین را شامل شود. دونالد ترامپ همچنین گفته بود جنگ تجاری برای آمریکا خوب است چون که به راحتی می‌تواند در آن برنده شود. در مقابل چین اعلام کرده است به دنبال جنگ تجاری با آمریکا نیست ولی در برابر افزایش تعرفه‌ها از سوی دولت آمریکا، از هرگونه اقدام تلافی جویانه فروگذار نخواهد کرد.

■ چین و استراتژی "مقابله به مثل"

چین در اقدامی تلافی جویانه، تعرفه ۱۲۸ کالای وارداتی از آمریکا را ۲۵ درصد افزایش داد. تعرفه جدید چین شامل محصولات وارداتی از آمریکا به ارزش سه میلیارد دلار می‌شود. دولت چین هدف از اتخاذ این تصمیم را «محافظت از منافع تجاری چین و برقراری توازن در تراز تجاری با آمریکا» اعلام کرده است. تعرفه جدید اعلام شده از سوی دولت چین شامل اقلامی همچون شراب، گوشت خوک، میوه‌های خشک و ضایعات آلومینیومی می‌شود. این در حالی است که تنها یک روز پس از تهدید کمیسیون اتحادیه اروپا مبنی بر اقدام متقابل تجاری، دونالد ترامپ موعد افزایش تعرفه واردات فولاد و آلومینیوم را یک ماه به تعویق انداخت. کاخ سفید در پی این تهدید اروپایی ها اعلام کرد دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، تا یک ماه دیگر (اول ماه ژوئن) افزایش تعرفه واردات فولاد و آلومینیوم از کانادا، اتحادیه اروپا و مکزیک را به تعویق انداخته و همچنین تصمیم به معافیت دایمی آرژانتین، استرالیا و برزیل گرفته است. این تصمیم فقط چند ساعت قبل از موعد مقرر (اول ماه می) برای اعمال افزایش تعرفه واردات فولاد و آلومینیوم اتخاذ شد. تلاش ترامپ برای افزایش تعرفه واردات فولاد و آلومینیوم به ایالات متحده آمریکا، تنش میان این کشور و شرکای تجاری آن را افزایش داده است. اتحادیه اروپا اعلام کرد در صورت اجرای تصمیم ترامپ، این اتحادیه آمادگی لازم را برای مقابله به مثل دارد. در این باره نیز کمیسیون اتحادیه اروپا، فهرستی از کالاهای آمریکایی به ارزش دو میلیارد و ۸۰۰ میلیون یورو تهیه کرده بود که مشمول افزایش تعرفه واردات می‌شدند. در این فهرست، علاوه بر آهن و فولاد محصولاتی همچون آب‌پرتقال، شلوار جین و موتورسیکلت‌های هارلی دیویدسون نیز به چشم می‌خوردند. همچنین تعرفه‌های دولت ایالات متحده آمریکا روی واردات فولاد در این کشور باعث شده است اروپا بهشت تولید کنندگان فولاد جهان شود. در سه ماه اول سال ۲۰۱۸ واردات فولاد به اروپا از روسیه ۱۳۹ درصد افزایش داشته و ترکیه نیز ۷۶ درصد بیشتر از سال قبل به اروپا فولاد صادر کرده است. رئیس اتحادیه صنف تولید کنندگان فولاد در آلمان با اعلام این خبر، افزود: باید واردات فولاد کنترل شده باشد تا تولیدات داخل اروپا مشتری و ارزشش را از دست ندهد. تراکم فولاد وارداتی در اروپا، ارزش فولاد تولیدی در قاره سبز را پرنوسان و غیرقابل پیش بینی کرده است. هرچند آمریکا پذیرفته است تعرفه صادرات و واردات کالا به اروپا را از اول ماه ژوئن آغاز کند.

چین از تسلیحات فوق پیشرفته نظامی اش رونمایی کرد

پروژه پکن برای قرن جدید چینی

گروه بین الملل-چین هفته گذشته یک مانور نظامی را در اطراف مرزهای تایوان برگزار کرد. در این رزمایش، برای نخستین بار جت‌های جنگنده سوخو ۳۵ این کشور در اطراف «کانال باشی» که تایوان را از فیلیپین جدا می کند، پرواز کردند. نیروی هوایی ارتش آزادی بخش خلق چین، در بیانیه‌ای به طور رسمی اعلام کرد که بمب افکن های H-6K و هواپیماهای نظارتی در اطراف تایوان پرواز می کنند و «ارتقای توانایی های جنگی» را به نمایش می گذارند. هرچند برخی این مانور نظامی را، تداوم دوئل چین و آمریکا بر سر تایوان تفسیر می کنند اما گزارش ها از تعداد سلاح های رونمایی شده توسط پکن، از داستانی بزرگ‌تر حکایت دارد. ظاهرا پکن خود را برای پروژه قرن جدید چینی آماده می کند. تایوان و چین دارای اختلافات دیرینه‌ای هستند که آغاز آن، به شروع جنگ داخلی چین در سال ۱۹۴۹ باز می گردد که طی آن، حزب تازه تاسیس کمونیست چین توانست قدرت را از "حزب ملی مردم" که حزب حاکم چین پس از سرنگونی امپراتوری خاندان چینگ (۱۹۱۳) بود، بگیرد. در نتیجه این اتفاق، دولت جمهوری چین به ریاست چیانگ کای شک در جزیره تایوان در سواحل شرقی چین مستقر شد و شهر تایپه را به عنوان پایتخت موقت دولت در تبعید این کشور برگزید و همچنان خود را دولت مشروع سرزمین اصلی چین و مغولستان می دانست. اما در آن دوران، جمهوری خلق چین حکومت جدایی خواهان تایوان را غیرقانونی خواند و خواهان بازگشت این سرزمین به خاک اصلی چین شد. اختلافات میان چین و تایوان با روی کار آمدن تسای انگ‌شتاو از حزب پیشروی استقلال دموکراتیک در سال ۲۰۱۶ افزایش یافت. با این حال، پکن از سال گذشته تمرینات نظامی خود را بیشتر کرده که عمدتاً با هدف ارسال این پیام به تایوان طراحی شده است تا این هشدار را درک کنند که هرگونه حرکت به سوی استقلال می‌تواند عواقب سنگینی برای این جمهوری خودمختار در پی داشته باشد. به همین منظور شن جینگ، سخنگوی ارشد نیروی هوایی چین اعلام کرد: «ما روند موجود را دنبال خواهیم کرد و همچنان به نگهبانی و گشت های هواپیمایی روی تایوان ادامه خواهیم داد.» این در حالی است که تایوان به شدت از روند قدرت گرفتن چین هراس دارد. وزارت دفاع تایوان درباره تنش رو به افزایش با پکن، اعلام کرد که عملیات حمله یک نیروی متجاوز، تعمیر و بازسازی سریع پایگاه‌ها و تاسیسات نظامی هوایی و استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین را به عنوان بخشی از تمرینات نظامی که قرار است اوایل ماه آینده (ژوئن) آغاز شود، شبیه سازی می کند. وزارت امور خارجه تایوان اعلام کرده است که بخش عمده این عملیات آموزشی از ۴ تا ۸ ژوئن خواهد بود که شامل «حذف دشمن در سواحل» می شود. همچنین چن چانگ چی، سخنگوی وزارت دفاع این جزیره، تاکید کرد که هدف اصلی از تمرینات نظامی پیش رو «آمادگی برای مقابله با هرگونه عملیات نظامی چینی در حمله به تایوان است». از طرف دیگر نیروی هوایی تایوان در واکنش به رزمایش چینی ها، جنگنده‌های F-16 خود را برای نظارت بر مانورهای چینی به منظور آن چه «تضمین امنیت دفاعی» بیان شده است، در این منطقه مستقر کرد. تایوان طی دهه‌های گذشته برای حفظ موازنه نظامی با چین، رو به سوی اتحاد و همکاری نظامی با آمریکا آورده است. در نتیجه این موضوع، تایوان هم اکنون با اسلحه‌های عمدتاً آمریکایی تجهیز شده اما واشنگتن برای مقابله با قدرت گیری چین در شرق آسیا، فروش تجهیزات پیشرفته‌تر از جمله جت های جنگنده جدید را برای متحدان خود از جمله تایوان برنامه‌ریزی کرده است که می تواند به عنوان ابزار فشاری در دستان ایالات متحده برای فشار آوردن بر چین به منظور قبول شرایط آمریکا در جنگ تجاری پیش روی دو کشور به کار گرفته شود. تحلیل گران این رفتار پکن و واشنگتن را دوئلی میان دو رقیب در سرزمین تایوان تفسیر می کنند.

■ مقدمه چینی برای ۲۰۵۰

اما تعداد تسلیحات نظامی رونمایی شده در هفته گذشته توسط چین، خبر از سناریویی گسترده‌تر از یک دوئل محدود دارد. گزارش ها نشان می دهد چین در این رزمایش تلاش کرده است جدیدترین سلاح های نظامی خود از جمله بمب افکن های X-HK-6K، جنگنده‌های سوخو-35 و ShenyangJ-11، هواپیمای حمل و نقل ShaanxiY-8، هواپیمای هشدار دهنده Kj-2000 و هواپیمای جاسوسی الکترونیکی TupolevTu-154 و همچنین جنگنده های رادارگریز و پیشرفته نسل پنجم J-20 را آزمایش کند. تحلیل گران معتقدند چین در اوج برنامه‌ای بلندپروازانه برای مدرن سازی نیروهای مسلح خود، در رقابت برای کسب برتری در فناوری هواپیماهای بدون سرنشین، هواپیماهای جنگی و موشک های پیشرفته در راستای برنامه شی جینگ پینگ رئیس جمهوری چین برای تبدیل این کشور به «رهبر جهانی» و «بزرگ‌ترین ابرقدرت جهان» تا سال ۲۰۵۰ است. چین به این منظور، طی چند سال اخیر به توسعه حضور و فعالیت های نظامی در دریای جنوبی پرداخته است. بخش دیگری از برنامه، دستیابی به راه اتصال دریای جنوبی به اقیانوس آرام غربی است. در همین باره، پکن به تازگی به افزایش عملیات پروازی در اطراف تنگه میاکو (بین جزایر ژاپنی میاکو و اوکیناوا) یعنی مهم ترین راه ورود نیروی دریایی ارتش آزادی بخش خلق به اقیانوس آرام پرداخته است و همچنین حضور خود را در کانال باشی (راه دریایی میان فیلیپین و جزایر تایوانی اورکید) که دریای جنوبی چین را به اقیانوس آرام غربی متصل می کند، افزایش داده است. این شرایط موجب شده است چین طی سال‌های اخیر به لطف توسعه اقتصادی شتابان و خیره کننده اش، به تقویت قوای نظامی خود بپردازد و برای جلوگیری از برنامه‌های مداخله گرایانه آمریکا در شرق آسیا، تحرکات نظامی خود را افزایش دهد. این موضوع به گفته کارشناسان می‌تواند در آینده ثبات در شرق آسیا را دستخوش ناآرامی کند.

تحلیل رسانه ها

عاشقانه های ترامپ و خاندان سعودی

LobeLog foreign policy

بار دیگر ترامپ به تیتر یک رسانه ها بدل شده است اما نه برای اتهامات جنسی و پرداخت پول های غیر قانونی؛ این بار موضوع بر سر سیاست خارجی آمریکا و مسائل مربوط به صلح و جنگ هم نیست بلکه بر سر داستان عاشقانه ترامپ و خاندان سعودی است. اما جایی که این داستان عاشقانه آغاز می شود، نه واشنگتن است و نه عربستان بلکه یمن است. هواپیماهای ائتلاف به رهبری عربستان سعودی یک شنبه ۲۲ آوریل (دوم اردیبهشت) دو بمب را در یک عروسی در یمن افکندند. عروس در این بمباران کشته و داماد مجروح شد و حداقل ۳۲ غیر نظامی نیز که بسیاری از آن ها کودک بودند، جان سپردند. سعودی ها در پاسخ، نه به اشتباه شان اعتراف و نه از این کار ابراز تاسف کردند، بلکه تأکید کردند «ائتلاف همچنان تمام اقدامات پیشگیرانه را برای جلوگیری از تلفات غیر نظامیان در یمن ادامه خواهد داد». در واقع این گونه رفتارهای سعودی ها موضوع تازه‌ای نیست. چهار سال است سعودی ها و متحدانشان در یمن حملات هوایی در پیش گرفته اند و هر بار شمار تلفات غیر نظامیان در حال افزایش است و تاکنون به ۱۰ هزار نفر رسیده است. سعودی ها و امارات متحده عربی به عنوان نزدیک ترین متحد عربستان، بارها و بارها به سیاست گذاران آمریکایی اطمینان داده اند که همه جوانب را برای جلوگیری از تلفات غیر نظامیان در نظر گرفته اند اما همچنان به بمباران اهداف غیر نظامی از جمله مدارس، بیمارستان ها، مراسم تدفین و بازارها ادامه می دهند. به عنوان مثال، ماه مه (اردیبهشت) پارسال هنگامی که دونالد ترامپ در نخستین دیدار خارجی خود به ریاض رفته بود، لابی گران عربستان سعودی «اطلاعاتی» را درباره تلاش های شگفت انگیز ارتش خود برای کاهش تلفات غیرنظامیان در یمن منتشر کردند. با وجود این، پنج روز پس از حضور ترامپ در ریاض، حملهٔ هوایی عربستان ۲۴ غیر نظامی را در بازار یمن کشت. حملات ماه دسامبر پارسال (اسفند ۹۵) نیز بیش از ۱۰۰ غیر نظامی یمنی را در ۱۰ روز به خاک و خون کشید اما سعودی ها در جواب به انتقادات، تنها به محکومیت سازمان ملل متحد برای انتقاد از چنین حملاتی و سپس ارائه وعده های توخالی بیشتر پرداختند. در این میان، از همه مهم‌تر حمایت مداوم ترامپ از عربستان است و ارتش آمریکا همچنان به سوخت گیری هوایی هواپیماهای جنگنده عربستان سعودی و نیز فروش بمب های لازم برای کشتن غیر نظامیان ادامه می دهد. اما چرا؟ در یک کلمه، پول عربستان سعودی و امارات متحده عربی در مقادیر قابل توجهی وارد دنیای ترامپ می شود؛ دنیایی مملو از سلاح های آمریکایی با حضور ده ها تن لابیگر و شرکت های روابط عمومی و مؤسسات برجسته در واشنگتن. با این حال رابطه دوستانه ترامپ و خاندان سعودی به همین جا ختم نمی شود و سفر ماه گذشته محمد بن سلمان ولیعهد عربستان با هدف تحکیم همین روابط بود. بن سلمان همان شاهزاده بلندپرواز سعودی و در واقع پایه گذار جنگ یمن است؛ دیدار بن سلمان از واشنگتن، درست زمانی رخ داد که سنای آمریکا به دنبال راه حلی برای پایان دادن به پشتیبانی آمریکا از عربستان در جنگ یمن بود. در حالی که سناتورها درباره قدرت قانون اساسی در جنگ یمن و پیامدهای حقوق بشری آن و شیوه حمایت آمریکا از این جنگ، تبادل نظر می کردند، ترامپ با بی اعتنایی کامل از کارآفرینی که کارخانه های اسلحه و درآمد حاصل از آن برای آمریکا دارد، صحبت می کرد.

■ نقش مهم آقای داماد

در این میان نقش «جرد کوشنر» داماد ترامپ را نباید در گسترش رابطه واشنگتن-ریاض نادیده گرفت. گفته می شود وی نخستین و نزدیک ترین شخص به ترامپ بود که وی را تشویق به سفر به ریاض به عنوان اولین سفر خارجی کرد و خواهان گسترش روابط تجاری با این کشور شد. باید تاکید شود که ارتباط میان عربستان و آمریکا، هیچ وقت به مستحکمی حالا نبوده است؛ پس از انتخابات ماه نوامبر (بهمن) آمریکا، عربستان سعودی از هیچ اقدامی برای عملیات نفوذی که هم اکنون در این کشور وجود دارد، فروگذار نکرد. در کمتر از سه ماه پیش از آن که ترامپ به عنوان رئیس جمهور در ژانویه ۲۰۱۷ (دی ۱۳۹۵) سوگند یاد کند، سعودی ها با سه شرکت جدید قرارداد بستند؛ یک شرکت وابسته به جمهوری خواهان با نام گروه McKeon، گروه CGCN شرکتی که به جمهوری خواهان محافظه کار متصل است و بمب ها را به عربستان سعودی فروخته است و شرکت podesta وابسته به دموکرات ها که بعدها به دلیل آشکاری رابطه اش با «پل مانفورت» یکی از مدیران کارزار انتخاباتی ترامپ منحل شد. حتی پیش از آن که ترامپ در ماه مه (اردیبهشت) به ریاض سفر کند، سعودی ها قراردادهایی را با شش شرکت ارتباطات عمومی دیگر امضا کردند و دو قرارداد دیگر نیز پس از قطع رابطه با قطر، به این تعداد اضافه شد. گفته می شود تنها در سال نخست ریاست جمهوری ترامپ، سعودی ها ماهانه یک میلیون دلار برای اقدامات لابیگری و روابط عمومی پرداخت کرده اند. امارات متحده عربی نیز از این قافله عقب نمانده و در سال ۲۰۱۷ توانسته بود ۱۸ شرکت لابیگری و روابط عمومی را به ثبت برساند و تنها در همان سال اول، ۱۰ میلیون دلار به یکی از این شرکت ها به نام camstoll پرداخت کرده بود. تمام این لابیگری ها، توانایی بی نظیری به این دو کشور عربی برای هدایت سیاست خارجی ایالات متحده در خاورمیانه داده است. در میان راه های دیگر نفوذ، مبارزات آن ها برای ایجاد جریان دایمی تبلیغات برای سیاست گذاران آمریکایی در جنگ یمن نیز نباید نادیده گرفته شود. یکی دیگر از راه های مهم نفوذ سعودی ها و امارات، کمک مالی به اتاق های فکر و اندیشکده های آمریکایی است. اغلب این اندیشکده ها، موسسات غیر انتفاعی هستند که مجبور نیستند حامیان مالی خود را افشا کنند. با این حال، نیویورک تایمز در سال ۲۰۱۴ فهرست گسترده‌ای از اتاق های فکری را که توسط عربستان و امارات پول دریافت می کنند، آشکار کرد؛ از جمله شورای آتلانتیک، بروکینگز، مرکز مطالعات استراتژیک و بین الملل و موسسه خاورمیانه. به طور قطع این وضع در دوره ترامپ بدتر شده است. کلام آخر آن که در واشنگتن نگرانی های فراوانی درباره مواضع ترامپ با برخی متحدان وجود دارد اما درباره عربستان سعودی، تغییر عمده نگرش و موضع توصیه می شود. هرچند، اکنون کمترین کاری که می توانیم انجام دهیم این است که کمک کنیم مردم یمن اطمینان یابند در مراسم عروسی جانشان به خطر نمی افتد.